حقوق ديپلماتيك در اسلام

عبدالحكيم سليمي1

چكيده

اسلام دين جهاني و حضرت محمّد صلي‏الله‏عليه‏و‏آله آخرين سفير الهي است. فلسفه تشريع اسلام و بعثت پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله، دعوت و هدايت انسان‏ها به كمال نهايي (توحيد) است. ديپلماسي فعال و رعايت حقوق ديپلماتيك انجام اين رسالت را منطقي‏تر و امكان‏پذيرتر مي‏نمايد.

مقاله حاضر ضمن بازشناسي مفاهيم مرتبط و تحليل نظري ديپلماسي پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهبه نقش آن در توسعه ديپلماسي و حقوق ديپلماتيك مي‏پردازد. اقدامات الهام‏بخش پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در اين زمينه از نوادر تاريخ است.

به نظر مي‏رسد به رغم پندار كساني كه ديپلماسي و حقوق ديپلماتيك را محصول تمدن غرب مي‏دانند اين بحث خاستگاه ديني داشته و از مهم‏ترين آموزه‏هاي اسلام به شمار مي‏آيد.

كليدواژه‏ها: سفير، حقوق سفيران، ديپلماتيك، ديپلماسي، رسول، روابط ديپلماتيك.

مقدّمه

روابط ديپلماتيك و رعايت اصول و مقرّرات ديپلماتيك از سوي كشورها ريشه در تاريخ روابط بين‏الملل دارد. اما پس از پديداري «دولت ـ كشور»، نهاد حقوقي سفارت و روابط ديپلماسي جايگاه خاصي يافته است. رويه بين‏المللي معاصر، بيانگر اين واقعيت است كه صلاحيت شناسايي، ايفاي نقش مثبت در روابط بين‏الملل، حضور فعال در سازمان‏هاي بين‏المللي و مشاركت در همكاري جهاني و شايستگي برقراري روابط ديپلماتيك، ملاك اساسي حاكميت كشورها به شمار مي‏رود.

نقش سفارت و هيأت نمايندگي سياسي كشورها در روشنگري مسائل ميان كشوري، كاهش تنش‏هاي بين‏المللي، تأمين صلح و امنيت جهاني و توسعه روابط دوستانه بين‏المللي بر اهل فن پوشيده نيست. به همين دليل، در حوزه مطالعات بين‏المللي، بحث سفارت جايگاه ويژه‏اي را به خود اختصاص داده و حقوق ديپلماتيك از قديمي‏ترين و مهم‏ترين موضوعات حقوق بين‏الملل به شمار مي‏رود.

بيداري جهان اسلام و گستردگي روابط ديپلماتيك و كنسولي كشورهاي اسلامي، ضرورت بحث سفارت و حقوق ديپلماتيك را با رويكرد اسلامي مبرهن مي‏سازد. پرسش‏هايي در اين زمينه مطرح مي‏باشد: آيا نهاد سفارت و حقوق ديپلماتيك داراي خاستگاه ديني است يا عرفي؟ آيا نهاد سفارت ارمغان تمدن خاصي است يا همه تمدن‏ها در ايجاد و توسعه آن نقش دارند؟ شارع مقدس تا چه اندازه نسبت به اين موضوع اهتمام و توجه دارد؟ پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله چه افرادي را به عنوان سفير نزد ديگر كشورها اعزام مي‏كردند؟ رفتار ايشان با سفيران ديگر كشورها چگونه بوده است؟ در مجموع، وضعيت حقوقي سفيران در نظام حقوقي اسلام چگونه است؟

تبيين نهاد حقوقي سفارت و حقوق ديپلماتيك در نظام حقوقي اسلام و پاسخ به پرسش‏هاي مزبور، مورد اهتمام پژوهش حاضر است.

بازشناسي اصطلاحات

1. رسول

رسول2 در لغت به مطلق قاصد و در اصطلاح به سفيربين دو كشور اطلاق مي‏شود.3 در اين نگاه، رسول مترادف سفير است و معمولاً به جاي هم به كار مي‏روند؛ اما در رويكرد ديني، واژه رسول، هم در مورد ملائكه به كار مي‏رود4 و هم درباره پيامبران الهي كاربرد دارد.5 اما بيشترين اطلاق آن در خصوص پيامبران است.6

2. سفير

سفارت7 در لغت به معناي روشن‏گري و از بين بردنابهام‏ها به كار مي‏رود. سفير8 مأمور دولتي است بااختيارات عالي كه براي انجام امور بين‏المللي يك دولت نزد دولت ديگر تعيين مي‏گردد.9 يا سفير فرستاده‏اي است از جانب قومي به سوي قوم ديگر، براي رفع نگراني كه بين دو طرف وجود دارد؛10 پس وظيفه سفير روشن‏گري در همه زمينه‏هاي مربوط به روابط بين‏المللي است و اختصاص به جنگ و صلح ندارد؛ هرچند گوشه‏اي از اين روشن‏گري در موارد خاص، مانند مذاكره، ميانجي‏گري و امثال آن مي‏باشد.

سفير در اصطلاح به دو معنا به كار مي‏رود:

الف. مقدّم نمايندگان سياسي دولتي نزد دولت ديگر. اين تقدّم در خود كلمه سفير نهفته است. همچنين نيازي به ذكر وصف «كبير» نيست، چون هر سفيري كبير است.

ب. مطلق نمايندگان سياسي مذكور كه شامل سفير، وزيرمختار، وزير مقيم و كاردار سفارت است. سفير، نماينده انحصاري رئيس دولت است، اما ديگران نماينده سياسي دولت متبوع خويش‏اند. زمان مأموريت سفير عادي محدود نيست، بلكه او پيوسته نمايندگي سياسي دولت متبوع خويش را دارد. اگر سفيري براي كار معين يا براي مدت محدود مأموريت داشته باشد، او را سفير فوق‏العاده مي‏نامند.11

در حقوق بين‏الملل معاصر، عنوان سفير به كسي اطلاق مي‏شود كه رياست هيأت ديپلمات‏ها در خارج از كشور را بر عهده دارد. محل اقامت سفير و هيأت ديپلمات‏ها «سفارت» نام دارد.

3. كنسول

كنسول، مأمور اعزامي توسط يك كشور به كشورهاي ديگر براي رسيدگي به امور تجاري و توريستي است. مأمور در خارج از كشور براي توسعه و حمايت منافع اقتصادي و امور رفاهي مربوط به اتباع كشور، در محل اقامت يا استقرار كنسول مقيم است.

كنسول معمولاً كارمند وزارت امور خارجه است و درجات كنسولي عبارتند از: سركنسول، كنسول، معاون كنسولي، مأمور كنسولي.12

4. ديپلماسي

ديپلماسي، هنر و روش انجام مذاكره با دولت‏هاي خارجي براي دست‏يابي به روابط سياسي رضايت‏بخش و متقابل است.13 در واقع، ديپلماسي علم و هنر نمايندگي كشورها و فن مذاكره است؛ هنري كه براي انجام امور ديپلماتيك و حقوقي و حفظ منافع كشور متبوع، در خارج صورت مي‏گيرد.14

ديپلماسي اصول و مقرّراتي است كه به موجب آنها روابط دولت‏ها با هم از راه مذاكره و فرستادن مأموران فوق‏العاده و جلب موافقت يا بستن قراردادها تمشيت پيدا مي‏كند.15

ديپلماسي، روش حل و فصل مسائل روابط خارجي دولت با دولت‏هاي ديگر، به وسيله مذاكره يا هر شيوه مسالمت‏آميز ديگر است. بنابراين، معناي خاص ديپلماتيك، روابط خارجي دولت و ديپلماسي، نحوه اداره آن روابط است.16

5. روابط ديپلماتيك

روابط ديپلماتيك17 به ارتباط رسمي دولت‏ها كه درسايه مأموران ديپلماتيك مبادله مي‏شوند، اطلاق مي‏گردد.18 به بيان ديگر، تمام روابطي كه ميان كشورها، از طريق نمايندگان ديپلماتيك آنها صورت مي‏گيرد، اصطلاحا روابط ديپلماتيك ناميده مي‏شود.19

6. حقوق ديپلماتيك

حقوق‏دانان كمتر به تعريف حقوق ديپلماتيك20 اشارهكرده‏اند. شايد رائول ژنه (Raoul Genel) اولين حقوق‏داني باشد كه در اين زمينه تعريفي ارائه كرده است. او مي‏گويد: حقوق ديپلماتيك شاخه‏اي از حقوق عمومي است كه درباره اعمال و نظامات روابط خارجي دولت و نمايندگي او در خارج بحث مي‏كند؛ يعني هم از امور بين‏الملل و هم از نحوه اجراي آنها.21 و يا: حقوق ديپلماتيك مجموعه قواعدي است كه نظام روابط سياسي خارجي دولت‏ها بر آن استوار است.22

منابع حقوق ديپلماتيك

منابع حقوق ديپلماتيك در حقوق عرفي عبارتند از: معاهدات، عرف بين‏المللي، اصول كلي حقوق، آموزه، تصميمات قضايي بين‏المللي و انصاف.23 با تصويب كنوانسيون‏هاي چهارگانه «وين» درباره روابط ديپلماتيك (1961)، روابط كنسولي (1963)، مأموريت‏هاي خاص (1969) و روابط نمايندگي دولت‏ها با سازمان‏هاي بين‏المللي (1975) توسط سازمان ملل متحد، حقوق ديپلماتيك عرفي به گونه‏اي سازمان يافته است كه مي‏توان گفت به حد كمال رسيده است.24

منابع حقوق ديپلماتيك در اسلام عبارتند از: كتاب، سنّت، عرف، سيره عقلا و احكام حكومتي. نهاد حقوقي استيمان و حقوق اقليت‏هاي ديني نيز از موضوعاتي هستند كه مي‏توان از آنها در تبيين حقوق ديپلماتيك استفاده كرد.25 عضويت كشورهاي اسلامي در سازمان ملل متحد و كنوانسيون‏هاي چهارگانه «وين» درباره حقوق ديپلماتيك، زمينه توسعه روابط ديپلماسي و رعايت حقوق ديپلماتيك را بيش از پيش فراهم ساخته است. كشورهاي اسلامي بر اساس اصل مقابله به مثل26 و اصل احترام به قراردادها ملزم به رعايت معاهدات و پيمان‏هاي بين‏المللي هستند.27

علّامه طباطبائي در تفسير شريف الميزان مي‏نويسد: «اسلام بعد از آنكه عهد و پيماني منعقد شد، حرمت عهد و پيمان و وجوب وفا به آن را به طور مطلق مي‏داند، خواه آن كسي كه پيمان بسته از پيمان متضرر شود، يا منتفع گردد. زيرا رعايت عدالت اجتماعي لازم‏تر و واجب‏تر از هرگونه نفع خصوصي يا شخصي است،... به جرئت سوگند ياد مي‏كنم كه اين، يكي از تعاليم عاليه است كه دين اسلام به منظور هدايت مردم به رعايت حكم فطرت انساني و حفظ عدالت اجتماعي كه رشته اجتماع انساني جز بر پايه آن به نظم نمي‏آيد، آورده و مظلمه استخدام و استثمار را لگدكوب كرده است.»28

سابقه ديپلماسي و حقوق ديپلماتيك

ديپلماسي در تاريخ سياسي جهان پيشينه‏اي ديرينه دارد.29 گرايش به قدرت و حفاظت از منافع و دستاوردها از يك‏سو، وحشت از جنگ و پيامدهاي ناگوار آن از سوي ديگر، در ايجاد و توسعه روابط ديپلماسي تأثيرگذار بوده است.

اسناد تاريخي ناظر به مذاكرات و مراوده‏هاي ديپلماتيكي ميان آشور و بابل و ايران، شواهد ديپلماتيك ميان دولت‏هاي فلسطين و فينيقي و سوري، مدارك مربوط به ارتباطات سياسي و ديپلماتيك ميان چين و ژاپن و نيز قوانين و نظام‏نامه‏هاي هند در زمينه روابط با ديگر دولت‏ها، بيانگر قدمت و اهميت ديپلماسي و حقوق ديپلماتيك در تنظيم روابط بين‏المللي است.

اما يونان باستان در تاريخ ديپلماسي جايگاه خاصي دارد. واژگان ديپلماسي، ديپلماتيك و ديپلمات از ريشه يوناني «ديپلوما» اقتباس شده كه در اصل به معناي صفحه يا هر برگ لوله يا تاشده است و معمولاً به سندي گفته مي‏شد كه به موجب آن، عنوان يا امتيازي به شخصي داده مي‏شد. واژه «ديپلم» نيز به همين مناسبت در مدارك علمي به كار رفته است. يونانيان براي ديپلماسي اهميت خاصي قائل بودند. هومر،متفكروشاعرمعروف‏يونان، قرن‏ها پيش از ميلاد مسيح، درباره روابط ديپلماتيك سخن گفته است.

روميان، هرچند بر قدرت نظامي اعتماد بيشتر داشتند، اما در بسياري از موارد براي حفظ موقعيت و گسترش قدرت از روش‏هاي محرمانه و چه بسا آميخته با نيرنگ و فريب استفاده مي‏كردند. امپراتوري بيزانس به دليل روحيه بارز توسعه‏طلبي، همواره گرفتار جنگ و درگيري بوده است. از روش‏هايي را كه در روابط ديپلماسي و سياست خارجي خود به كار گرفته، با اصول و موازين انساني و اخلاقي چندان سازگاري ندارد. اين خط‏مشي در اروپاي قرون وسطا نيز دنبال شد. كشورهاي قدرت‏طلب براي دست‏يابي به امتيازات خاص و توسعه قدرت، از هيچ اقدامي دريغ نكردند.

از قرن شانزدهم كه دولت ـ كشور به مفهوم امروزي آن30 شكل گرفت، انديشه برقراري سفارت دائم نيزپديدار گشت. قواعد عرفي حاصل از ضرورت يا ادب و نزاكت به منظور تنظيم روابط دولت‏ها با سفيران و سفارتخانه‏هاي مقيم و ساماندهي روابط سفيران با يكديگر، ايجاد گرديد. به دليل آنكه قواعد مزبور جنبه عام و جهاني نداشت، نمي‏توانست روابط دولت‏ها و سفيران را بر اساس اصول حقوقي مشترك تنظيم كند.

در اين برهه از تاريخ، توانايي سياسي، قدرت نظامي و روابط خويشاوندي سلاطين، ملاك امتيازات به شمار مي‏رفت. دولت‏ها بر اساس معيارهاي مزبور ـ و نه اصول حقوقي ـ براي خود امتيازاتي قائل بودند. بخصوص سفيران كشورهاي بزرگ، خود را نسبت به سفيران كشورهاي ديگر برتر مي‏پنداشتند و خواهان احترامات، تشريفات، مصونيت‏ها و معافيت‏هاي ويژه بودند. زياده‏خواهي‏ها و توقعات نابجاي بعضي از كشورها، در عمل موجب آشفتگي و چه بسا بحران بين‏المللي مي‏گشت.

به همين دليل، انديشه يكسان‏سازي معيارها و اصول ديپلماتيك به عنوان يك خواست جهاني مطرح شد و كوشش‏هاي فردي و دولتي در راستاي تدوين حقوق ديپلماتيك آغاز گرديد. حقوق‏دانان تلاش كردند تا قواعد معتبر و عرف‏هاي رايج بين‏المللي ناظر به نمايندگان و هيأت‏هاي ديپلماتيك را به صورت قانون تدوين نمايند. اين اقدام به عنوان نقطه عطفي در تاريخ روابط ديپلماتيك، آثار و بركات فراواني را به دنبال داشت. نظم و سامان‏دهي قواعد متفرق، شفافيت و قاطعيت مقررات، مبارزه با زياده‏خواهي بعضي از كشورها، پيش‏گيري از تنش‏هاي بين‏المللي و در نهايت پاسخ‏دهي به نيازهاي جامعه بين‏المللي در حوزه ديپلماتيك، از جمله فوايد حركت سازنده و پيشرو حقوق‏دانان در زمينه تدوين حقوق ديپلماتيك است.

لوفور (Lefur)، نويسنده حقوقي نخستين طرح تدوين جزئي، حقوق ديپلماتيك را در قراردادهاي كنگره «وستفالي» (1648) ارائه داد.31 سپس كنگره وين (1815) توسط هشت كشور بزرگ اروپايي برگزار و منجر به امضاي «نظامنامه تقدم مأموران ديپلماتيك» گرديد. كنواسيون وين، هرچند از لحاظ طبقه‏بندي نمايندگان ديپلماتيك و تعيين موقعيت آنان داراي اهميت مي‏باشد، اما بسياري از موضوعات حقوق ديپلماتيك، مانند برقراري روابط ديپلماتيك، تأسيس سفارتخانه‏ها، آغاز و پايان مأموريت ديپلمات‏ها، مزايا و مصونيت‏ها و معافيت‏هاي ديپلماتيك و نظاير آن، در اين كنوانسيون اصلاً مورد اشاره قرار نگرفت.32

اقدامات اساسي را در اين زمينه كميسيون حقوق بين‏الملل سازمان ملل متحد انجام داده است.33 تدوين و تصويب كنوانسيون‏هاي چهارگانه وين درباره روابط ديپلماتيك (1961)، روابط كنسولي (1963)، مأموريت‏هاي خاص (1969) و روابط نمايندگي دولت‏ها با سازمان‏هاي بين‏المللي (1975) از نتايج كوشش‏هاي سازمان ملل متحد در راستاي تكميل حقوق ديپلماتيك مي‏باشد. با تدوين كنوانسيون‏هاي مزبور، مي‏توان گفت: تلاش‏هاي سازمان ملل متحد، موفقيت‏آميز و رضايت‏بخش مي‏باشد و حقوق ديپلماتيك به تكامل رسيده است.

با وجود اين، بعضي مدعي‏اند كه در دوران معاصر، سياست فريب و نيرنگ در روابط خارجي و ديپلماسي غربيان عمق بيشتري يافته است.34

آنچه كه در اين‏گونه بررسي‏ها بايد مورد تأمّل قرار بگيرد، اين نكته است: عده‏اي همواره تلاش كرده‏اند تا پيدايش و گسترش فرهنگ و تمدن و آثار آن را محصول تلاش غرب و متفكران غربي معرفي كنند. در بررسي سابقه ديپلماسي و تدوين حقوق ديپلماتيك نيز همين شيوه را پيموده‏اند. البته اختصاص دادن ديپلماسي به غرب و تمدن غربي، آن هم به مفهومي كه در سياست بين‏الملل معاصر، به ويژه در روابط كشورهاي مقتدر با كشورهاي جهان سوم‏شاهدآن‏هستيم،نه‏تنهاموجب افتخار نيست، بلكه از نقاط منفي فرهنگ غرب به شمار مي‏رود.

اگر تاريخ را منصفانه بررسي كنيم، شواهد و قرائن تاريخي نشان مي‏دهد كه مشرق زمين (سرزمين انبياي الهي) خاستگاه واقعي فرهنگ و تمدن به شمار مي‏رود. تلاش‏هاي بي‏وقفه و خستگي‏ناپذير پيامبران الهي در فرهنگ‏سازي و ايجاد تمدن و نيز اصلاح و توسعه آن، بر هيچ پژوهشگر منصفي پوشيده نيست.

تاريخ تحولات ديپلماسي نيز از اين قاعده مستثنا نيست. اسناد و مدارك مربوط به روابط ديپلماتيك نشان مي‏دهد كه مشرق زمين در اين زمينه نيز پيشگام است. مراوده‏ها و ارتباطات ديپلماسي در شرق همواره وجود داشته است. ظهور اسلام و روش‏هاي حكيمانه پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در زمينه روابط بين‏الملل نقطه عطفي در تاريخ تحولات ديپلماسي جهان به شمار مي‏رود. حقيقتي كه بسياري از متفكران و مورخان ديپلماسي، از بيان آن غفلت و يا تغافل ورزيده‏اند.

ديپلماسي و حقوق ديپلماتيك در اسلام

با توجه به اين حقيقت كه اسلام دين جهاني است و هدايت انسان‏ها به سوي حق رسالت اصلي اين دين مبين به شمار مي‏رود،35 روابط ديپلماسي و حقوق ديپلماتيك در نظام حقوقي اسلام جايگاه خاصي مي‏يابد؛ چراكه به مقتضاي حكمت، ديپلماسي فعال و حكيمانه پيش‏شرط دعوت و هدايت است.

ما بر اين باوريم كه خداوند حكيم نخستين آموزگار بشر در زمينه سفارت و روابط ديپلماسي است. به بيان ديگر، سفارت و اصل ديپلماسي از مهم‏ترين آموزه‏هاي ديني به شمار مي‏رود. خداوند سبحان در راستاي هدايت بشر و ايجاد رابطه با اشرف مخلوقات (انسان) سفيراني را فرستاد و فن مذاكره و ديپلماسي را به بهترين وجه به آنان آموخت: «با حكمت و اندرز نيكو به سوي راه پروردگار دعوت نما، و به آنها به طريقي كه نيكوتر است استدلال و مناظره كن»36 تا روابط اجتماعي و بين‏المللي بشر را تنظيم و انسان‏ها را به زندگي انساني و عدالت اجتماعي هدايت كنند. انجام چنين رسالتي عظيم جز با ديپلماسي فعال و حكيمانه امكان‏پذير نيست.

بدون شك، پيامبران به عنوان سفيران الهي در ايجاد تمدن، توسعه روابط اجتماعي و بين‏المللي و ترويج فرهنگ عدالت‏خواهي نقش عظيم و برجسته‏اي ايفا كرده‏اند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛37 به راستي (ما) پيامبران خود را با دلايل آشكار روانه كرديم و با آنها كتاب و ترازو را فرستاديم تا مردم به عدالت قيام كنند.

قرآن كريم پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله را رسول رحمت معرفي مي‏كند38 و مهرباني و دلسوزي را از مهم‏ترين ويژگي هاي او برمي‏شمارد.39 ابلاغ پيام خدا،40 تعليم و تربيت انسان‏ها،41 حل و فصل اختلافات،42 انذار و تبشير43 و اتمام حجت،44 رسالت اصلي آخرين سفير الهي است. منظور از ديپلماسي پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله فعاليت‏ها و اقداماتي است كه ايشان در جايگاه رئيس حكومت اسلامي و سفيران برگزيده او در راستاي انجام وظايف سياسي دولت اسلامي، تحقق بخشيدن به خط‏مشي‏هاي كلي اسلام در عرصه روابط بين‏الملل انجام داده‏اند. در حقيقت، اهداف عالي و خطوط كلي سياست اسلام و منافع امت اسلامي بود كه ديپلماسي پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله را معين مي‏كرد و جهت مي‏بخشيد.45

اگر ديپلماسي را هنر مذاكره و يك وسيله كاربردي در راستاي نيل به اهداف بدانيم، ديپلماسي پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهمي‏تواند الگوي برتر در اين زمينه باشد. چون شيوه‏هاي حضرت بر جهان‏بيني واقع‏بينانه و اصول و ارزش‏هاي انساني متكي بوده و خاستگاه الهي دارد. در واقع، زيربناي ديپلماسي پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله رساندن پيام انسان‏ساز وحي به همه ملت‏ها در همه زمان‏هاست.46 هدف اسلام رساندن انسان به كمال واقعي و ايجاد حكومت واحد جهاني بر اساس قسط و عدل مي‏باشد.47 پيامبر گرامي صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهتلاش كرد از طريق تبليغ اصول و احكام اسلامي جامعه بشري را به وحدت،48 تعاون،49 تفاهم50 و زندگي بر اساس مشتركات، هدايت نموده و انسان‏ها را از ظلم و تعدي به همديگر باز دارد.

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْاْ إِلَي كَلَمَةٍ سَوَاء بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللّهَ وَلاَ نُشْرِكَ بِهِ شَيْئا وَلاَ يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضا أَرْبَابا مِن دُونِ اللّهِ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُولُواْ اشْهَدُواْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛51 بگو: اي اهل كتاب! بياييد به سوي سخني كه ميان ما و شما يكسان است، كه جز خداوند يگانه را نپرستيم و چيزي را همتاي او قرار ندهيم و بعضي از ما بعضي ديگر را ـ غير از خداي يگانه ـ به خدايي نپذيرد. هرگاه (از اين دعوت) سرباز زنند، بگوييد: گواه باشيد كه ما مسلمانيم.

از منابع تاريخي استفاده مي‏شود كه پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله پس از نزول آيه مزبور نامه‏هاي متعددي براي زمام‏داران بزرگ آن عصر فرستاد و در بخشي از نامه‏ها بخصوص روي آيه فوق تأكيد ورزيده است.52

ديپلماسي در حكومت پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله، آخرين سفير الهي تجلّي خاصي دارد. تاريخ، نمونه‏هايي از رفتار ديپلماسي حضرت را ثبت كرده است. ايشان در مدت حكومت خويش، سفيران متعددي را نزد سران ديگر كشورها فرستاده و سفيراني را از كشورهاي ديگر به حضور پذيرفته است. در اعزام و يا پذيرش سفير نيز تشريفات خاصي را رعايت مي‏كرده است. بدون شك، سيره آن حضرت در زمينه روابط بين‏الملل و حقوق ديپلماتيك، شامل نكات ارزنده و الهام‏بخش مي‏باشد.

لازم است بدانيم اثر مكتوب با عنوان مشخص درباره ديپلماسي مسلمانان بسيار اندك است. تنها اثر معروف در اين زمينه كتاب رسل الملوك و من يصلح للرسالة و اسفارة نوشته ابن الفراء است كه در اواخر قرن سوم هجري (نهم ميلادي) نوشته شده و توسط صلاح‏الدين منجد تصحيح و در سال 1947 در قاهره منتشر گرديده است. در سال 1363 توسط پرويز اتابكي به فارسي ترجمه شده است. اما شواهد و مدارك موجود در منابع اسلامي و كتاب‏هاي تاريخي، به نحو مطلوب بيانگر اهتمام اسلام و مسلمانان نسبت به اين موضوع مي‏باشد. تاريخ سفارت و روابط ديپلماسي مسلمانان در چند مرحله قابل بررسي است.

1. عصر رسالت

پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله آخرين سفير آسماني است. سيره ايشان در زمينه ديپلماسي بسيار آموزنده است. در تاريخ ديپلماسي پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله از سفيران زيادي نام برده شده كه هريك از آنها براي انجام مأموريتي اعزام شده‏اند. از آن جمله مي‏توان سفارت سياسي ـ نظامي امام علي عليه‏السلام در يمن، عروه‏بن مسعود در مكه، معاذ بن جبل در يمن، عبداللّه بن حزافه در ايران، خاطب بن ابي‏بلعه در مصر، دحيه‏بن خليفه كلبي در روم، عمرو بن اميه در حبشه، شجاع‏بن وهب در دمشق و سليط بن عمرو در يمامه را نام برد.53

يكي از حقوق‏دانان مسلمان معتقد است: نخستين سفير پيامبر گرامي صلي‏الله‏عليه‏و‏آله فردي غيرمسلمان به نام عمرو بن امية الضمري مي‏باشد. تعدادي از مسلمانان به دستور پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله به كشور حبشه هجرت كردند. كفار قريش تلاش داشتند تا آنان را به مكه برگردانند. آن حضرت در سال دوم هجري عمرو را نزد نجاشي پادشاه حبشه فرستاد تا به وسيله اطلاع‏رساني شفاف، توطئه قريشيان را در خصوص برگرداندن مسلمانان پناهنده خنثي نمايد.54

الف. نامه‏ها و سفيران پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله: پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در مدت حكومت ده‏ساله خويش اقدامات بسيار سازنده‏اي در عرصه روابط بين‏الملل انجام داد. ارسال نامه‏ها و اعزام سفيران متعدد از سوي ايشان به ديگر كشورها نقطه عطفي در تاريخ ديپلماسي جهان به شمار مي‏رود.

برخي از مورخان تعداد نامه‏هاي پيامبر به سران قبايل و رؤساي مذاهب و دولت‏ها را بيش از سيصد مورد ذكر كرده‏اند.55 مطابق نوشته ابن سعد در طبقات، رسول خدا صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در آغاز سال هفتم هجرت، در يك روز شش نامه به كشورهاي بزرگ جهان، از جمله ايران و روم فرستاد.56 نامه‏هاي پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهاز نظر محتوا، بلاغت و آداب سياسي شايان توجه است.57 سفيران اعزامي حضرت از جانب همه پادشاهان (قيصر روم، حارث بن ابي‏شمر پادشاه غسان، مقوقس پادشاه مصر و نجاشي شاه حبشه) به جز خسرو پرويز، امپراتور ايران، مورد استقبال و تجليل قرار گرفتند.58

نكته حائز اهميت آنكه سفيران اعزامي از سوي پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهاين توانايي را داشتند كه به زبان كشور ميزبان سخن بگويند.59 آشنايي مسلمانان به زبان‏هاي گوناگون از عجايب آن دوران و نشانگر اهتمام پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهنسبت به مسئله ديپلماسي و ايجاد روابط ديپلماتيك با ديگر جوامع است.

بدون شك، ارسال پيام‏ها و چگونگي تعامل سفيران اسلام با سران ديگر جوامع، از نوادر تاريخ است. سيره آن حضرت در ايجاد روابط حسنه و ديپلماسي پايدار و ماندگار مي‏تواند الهام‏بخش كشورهاي اسلامي باشد. چنان‏كه در ديپلماسي معاصر نيز پيام‏هايي كه ميان سران كشورها مبادله مي‏شود، در هماهنگي سياست جهاني و تنش‏زدايي بين‏المللي، نقش بسيار تعيين‏كننده و سازنده دارد.

ب. وفود يا هيأت‏هاي نمايندگي: در حكومت نبوي، پذيرش سفيران توأم با آداب و تشريفات خاص صورت مي‏گرفت. پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهسفيران خارجي را در مسجد بزرگ مدينه ـ در جايي كه معروف به «اسطوانة الوفود» (ستون سفيران) بوده و هنوز هم باقي است ـ به حضور مي‏پذيرفت. تعداد هفتاد و يك نمونه از وفود (هيأت‏هاي نمايندگي) در دوران رسالت و چگونگي مذاكرات و اهداف آنها به ثبت رسيده است.60 هيأت‏هاي نمايندگي در سال نهم هجري به گونه‏اي افزايش يافت كه سيره‏نويسان آن را «عام الوفود» ناميدند.

مهم‏ترين محورهاي مذاكرات وفود عبارت بودند از:

ـ ملاقات با پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله و تحقيق درباره اسلام؛

ـ عقد قراردادهاي صلح (دوجانبه يا چندجانبه)؛

ـ درخواست كمك‏هاي اقتصادي؛

ـ واگذاري صلاحيت اداره مناطق به بعضي از رؤساي قبايل در صورت صلاحديد؛

ـ پيمان بي‏طرفي و پرهيز از شركت در اقدامات خصمانه عليه مسلمانان؛

ـ پذيرش حاكميت جديد كه در رهبري پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهتجلّي يافته بود.61

ج. آداب پذيرش سفيران: پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله با سفيران اعزامي جوامع ديگر رفتار حسنه و نيكي داشتند. آنان در مدت مأموريتشان از احترام و مصونيت كامل برخوردار بودند و مي‏توانستند بي‏هيچ محدوديتي پيامشان را ابلاغ كنند.

پيامبراكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله و هيأت‏همراه‏درمراسم‏پذيرش‏سفيران، لباس خوب بر تن مي‏كردند و از آنان به طور رسمي استقبال مي‏نمودند. دارالضيفان (مهمان‏سرا) مخصوص پذيرايي سفيران وجود داشت و با سفيران با توجه به موقعيت شخصي و مقام اعزام‏كننده آنها رفتار مي‏كردند.

دادن هدايا به سفيران، امري بود كه جزء تشريفات به شمار مي‏رفت. تاريخ نمونه‏هايي از اعطاي هدايا توسط پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهرا ثبت كرده است.

پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله به سفير فروه‏بن عمرو جذامي عامل قيصر در عمان كه حامل هديه‏اي همراه با خبر اسلام آوردن فروه بود، پانصد درهم هديه داد.62 همچنين قاصد باذان عامل كسري در يمن را مورد لطف قرار داد و كمربندي به وي اهدا كرد كه در آن طلا و نقره به كار رفته بود. از آن پس مردم او را «ذوالمفخره» (صاحب كمربند) مي‏گفتند.63

نقل شده كه پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در هنگام رحلت وصيت كرد كه جانشينان او نيز، اين سيره را ادامه بدهند و به سفيران هدايايي بدهند. هرگاه سفيران مسلمان هدايايي دريافت مي‏كردند، به بيت‏المال تعلّق مي‏گرفت.64

د. آثار ديپلماسي پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله: آثار عمده ديپلماسي حكيمانه پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله پس از رحلت ايشان، در دوران خلفا به بار نشست. سقوط امپراتوري روم در عقب‏نشيني هرقل (از مناطق شام) و فروپاشي امپراتوري ايران بازتاب سياستي است كه پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهاز سال ششم هجري در زمينه توسعه روابط بين‏الملل و گسترش سياست ديپلماسي اتخاذ نمود.

فتوحات مسلمانان در عصر خلفا، عنواني است كه مورخان به آثار سياسي و بازتاب روابط بين‏المللي رسول خدا صلي‏الله‏عليه‏و‏آله داده‏اند. در واقع، ظهور قدرتمند اسلام در عرصه جهاني در آن دوران قدرت‏ها را واداشت تا به اين واقعيت تن در دهند كه قدرت به حكومت جديد، مكتب نوپا و ملت تازه‏اي انتقال يافته است.65

سقوط سلطنت هفت‏صد ساله قيصر روم، آزادي سرزمين‏هاي عراق و ايران به دست لشكر فاتح اسلام و سقوط قدرت ساساني و تاج و تخت كياني و انزواي امپراتوري روم در مدت كوتاه، آثار شيوه حكيمانه‏اي است كه پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در زمينه روابط بين‏المللي اتخاذ كرده بود.66

2. دوران پس از رسالت

روابط ديپلماسي جامعه اسلامي در دوران پس از رحلت پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهبسيار كمرنگ ادامه يافت. از جمله نقل شده كه در دوران ابوبكر سفيري از جانب قيصر روم آمد، اما از محتواي مأموريت او اطلاعي در دست نيست.67 همچنين در زمان خليفه دوم سفيراني از جانب قيصر روم به مدينه آمدند.68

در زمان بيعت با امام علي عليه‏السلام، نمايندگاني از عراق و مصر حضور داشته‏اند كه خود بيانگر تداوم ديپلماسي صدر اسلام است.69 واقعيت اين است كه مدت پنج سال خلافت اميرمؤمنان عليه‏السلام چنان درگير جنگ‏هاي تحميلي (جمل، صفين و نهروان) گرديد، كه فرصتي براي فتوحات اسلامي و توسعه روابط ديپلماتيك باقي نگذاشت.70 در يك جمع‏بندي مي‏توان گفت كه در دوران خلفا، از تحرك پويا و ابتكار فعال پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در عرصه روابط بين‏المللي و ديپلماسي اسلام خبري نيست. چون هر يك از خلفا در مدت زمام‏داري‏شان، بيشتر درگير مشكلات و شورش‏هاي داخلي گرديدند.

با تشكيل دولت اموي نيز، سفيراني بين دمشق و بيزانس رفت و آمد داشتند. با پيش‏روي اسلام به سوي شرق، هشام‏بن عبدالملك خليفه اموي، در سال 108 هجري سفيري به نام سليمان نزد هسان تسونگ امپراتور چين اعزام داشت. از اين‏رو، روابط بين اعراب و چين گسترش يافت، بخصوص در دوره عباسيان هنگامي كه آنان لشكري به چين فرستادند تا پادشاه چين را در برابر رقيب وي ياري دهند. در دوران فاطميون مصر و به ويژه در زمان المستنصرباللّه سفيران روم براي توسعه روابط بازرگاني به آن كشور آمدند؛ چراكه مصر كشوري مهم بود و رومي‏ها بدان علاقه داشتند. اين روابطْ توسعه يافت و مصر دولت بزرگي شد؛ به گونه‏اي كه گفته شد: در يك نوبت،14سفيرازكشورهاي‏گوناگون‏درقاهره‏گردآمدند.71

در دوره عباسيان عهدنامه‏هاي متعددي بين حكومت عباسي و امپراتور روم شرقي و ديگران به امضا رسيده است. مسعودي از دوران هارون‏الرشيد تا زمان خودش، از انعقاد دوازده عهدنامه ميان كشور اسلامي و ديگر كشورها نام مي‏برد.72 البته سياست بين‏المللي دولت‏هاي اسلامي و ديپلماسي جهان اسلام در دوران پس از رسالت نيازمند بحث و بررسي است كه در فرصت مناسب بايد به آن پرداخته شود.

3. تأسيس سفارت دائم

در گذشته سفارت حالت موقت داشت. دولت‏ها براي انجام هر مأموريتي شخص يا هيأتي را به عنوان سفير اعزام مي‏كردند. رشد تمدن و گسترش روابط بين‏المللي به تدريج ضرورت تأسيس سفارت و نمايندگي نسبتا دائمي كشورها را ايجاب كرد. از نظر تاريخي، در خصوص جايگزيني سفير دائم به جاي سفير موقت، ديدگاه‏هاي متفاوتي وجود دارد.

برخي از نويسندگان معتقدند: غربيان انديشه فرستادن كنسول را از مسلمانان آموخته‏اند؛ زيرا در جنگ‏هاي صليبي مسلمانان به موجب پيمان‏هاي خاصي، حق تعيين كنسولي را به منظور رسيدگي به امور شخصي اتباع بيگانه به رسميت شناخته بودند، كه به تدريج تحت عنوان «كاپيتولاسيون»73 در عرصه بين‏الملل مطرح شد. در اين مسئله كه شناسايي حق كنسولي بيگانگان از ابتكارات دولت عثماني مي‏باشد، همه اتفاق نظر دارند. به اعتراف مورخان ايتاليايي، در سال 1453م با فتح قسطنطنيه چنين حقي از سوي دولت عثماني براي اتباع بيگانه به رسميت شناخته شد. با انعقاد قرارداد 1535 و 1637 بين عثماني و فرانسه و انعقاد قرارداد 1675 بين عثماني و انگلستان و سرانجام در سال 1740م، اين معاهده كامل شد.74 البته ما درصدد ارزيابي معايب كاپيتولاسيون و رفتار ساده‏لوحانه عثماني‏هانيستيم، ولي‏نكته‏اي كه در اينجا قابل توجه‏است‏كه‏اصل‏ابتكارشناسايي‏حق‏كنسولي‏براي‏بيگانگان مي‏باشد كه توسط دولت عثماني انجام گرفته است.

نكته‏اي كه در سير تحول روابط ديپلماسي جامعه اسلامي شايان توجه است، تقدم زماني جامعه اسلامي در اين زمينه و حتي ابتكار جايگزيني سفير دائم به جاي سفير موقت مي‏باشد.

4. وظايف سفيران

سفيران و ديپلمات‏هاي سياسي در مدت مأموريتشان (دائم يا موقت) تجلّي قدرت، نماد استقلال، الگوي حاكميت ملي و در يك كلام نماينده كشور فرستنده به شمار مي‏روند. با توجه به اهميت روابط ديپلماسي، كشورهاي اسلامي در اين زمينه، نكاتي را رعايت مي‏كردند كه بسيار آموزنده و جالب به نظر مي‏رسد.

خليفه يا سلطان كشور اسلامي، سفيرانشان (نمايندگانشان) را معمولاً از ميان معتمداني داراي صفات ذيل انتخاب مي‏كردند: حيثيت و شهرت علمي، كفايت و چابكي، ارزش و اطمينان، قيافه و سيما، ساختمان بدني و تناسب اندام و زيبايي‏هاي صوري، غيرتمندي و حضور ذهن. چون اغلبْ شخص واحدي با ويژگي‏هاي لازم كمتر پيدا مي‏شد، هيأتي را مركب از دو يا سه نفر به عنوان سفير مي‏فرستادند: يكي مرد شمشير، ديگري مرد دانش و سوم‏فردي‏مستشار(دبير)كه‏سمت‏منشي‏گري‏هيأت‏راداشت.75

آنان همان‏گونه كه نقش مهم و وظايف حساسي بر عهده دارند، از مزايا و مصونيت‏هايي نيز برخوردارند كه به طور اجمال به آنها اشاره مي‏كنيم.

1. نسبت به كشور پذيرنده: وظايف سفيران و ديپلمات‏ها در قبال كشور ميزبان، محدودتر از وظايفشان در برابر كشور متبوع خود است؛ زيرا در ارتباط با كشور ميزبان، بيشتر حقوق سفيران و ديپلمات‏ها مطرح است، نه وظايف آنان. اما در عين حال، آنها در برابر كشور ميزبان نيز مسئوليت‏هايي دارند؛ از جمله آنها رعايت قوانين داخلي و احترام به آداب و رسوم كشور ميزبان و عدم همكاري با گروه‏هاي مخالف آن را مي‏توان نام برد. در مجموع، نمايندگان سياسي بايد از ارتكاب اعمالي كه موجب هتك حرمت و بي‏اعتنايي به عقايد مذهبي، سياسي، سنّت‏ها و ارزش‏هاي ملي كشور ميزبان است، بپرهيزند.76

2. نسبت به كشور فرستنده: سفيران اعزامي از سوي مسلمانان، اعتبارنامه رسمي داشتند و مكلف بودند آنها را به رؤساي دولت كشور ميزبان تسليم كنند. مأموريت آنان كه در ابلاغ پيام بدان تصريح مي‏شد، گاهي مشتمل بر اظهارات كلي و عمومي بود و از اين حكايت داشت كه اطلاعات محرمانه، شفاها به وسيله هيأت اعزامي ارائه خواهد شد.77

از زمان پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله سفيران براي مقاصد ديني، سياسي و مانند آن به اطراف فرستاده مي‏شدند. مطابق اظهار مورخان اسلام، پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهسفيراني به روم شرقي، ايران، مصر و حبشه فرستاد.78 هرچند سفيران مسلمان براي امور مهم و اهداف گوناگوني فرستاده مي‏شدند؛ مثلاً، پيش از شروع جنگ براي اتمام حجت يا پس از وقوع جنگ براي از بين بردن آثار آن (مانند انعقاد صلح و مبادله اسيران) اعزام مي‏شدند، اما وظيفه اصلي آنان تبليغ اسلام و دعوت اسلامي بود.

يكي از نويسندگان، وظايف سفيران را تحت عنوان «مقاصد ديپلماسي قديم در اسلام» به طور كلي در عناوين ذيل خلاصه كرده و توضيح داده است: بازخريد اسيران، جمع‏آوري اطلاعات براي دولت متبوع، بازرگاني، شادباش و تسليت گفتن، تلاش براي سازش و رفع اختلاف، اقدامات لازم براي ترك مخاصمه و برقراري صلح، خواستگاري در ازدواج‏هاي سياسي، حمل هدايا، درخواست سرباز و كمك نظامي.79

وظايفي كه براي سفيران در ديپلماسي جهان اسلام معمول بوده، اگر با ماده سوم كنوانسيون 1961 وين درباره حقوق ديپلماتيك80 كه وظايف مأموران ديپلماتيك را بيان كرده، مقايسه كنيم، واقع‏نگري و توجه اسلام به روابط ديپلماسي به خوبي مشخص مي‏شود.

بر اساس ماده سوم كنواسيون وين 1969، وظايف نمايندگي ديپلماتيك عبارتند از:

الف. نمايندگي دولت فرستنده نزد دولت پذيرنده؛

ب. حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن در دولت پذيرنده تا حدي كه در حقوق بين‏الملل پذيرفته شده است.

ج. مذاكره با حكومت دولت پذيرنده؛

د. تحقيق اوضاع و سير وقايع در دولت پذيرنده، با استفاده از تمام وسايل قانوني و گزارش آن به حكومت دولت فرستنده؛

ه . بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادي و فرهنگي و علمي بين دولت فرستنده و دولت پذيرنده.

مصونيت سفيران

چنان‏كه اشاره كرديم مسئله سفارت در اسلام جايگاه ويژه‏اي دارد. خداوند نخستين بنيانگذار سفارت است. او پيامبرانش را به عنوان سفير به سوي بندگانش فرستاده است. به همين دليل، سفارت در حكومت نبوي نيز اهميت خاصي داشته است؛ پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آلههمزمان با تأسيس حكومت، به ديپلماسي فعال در برقراري روابط و ارسال سفير نزد سران كشورهاي ديگر همت گماشت. البته در آن زمان چون روابط ديپلماسي و اعزام سفيران به صورت موقت بود، طبعا وظايف و مزاياي آنها نيز چندان گسترده نبود. به هر حال، ديپلماسي وسيله‏اي بود كه در پناه آن تماس رسمي بين مقامات اسلامي و غير آن امكان‏پذير مي‏شد.

با مراجعه به منابع اسلامي و كتب معتبر تاريخي، اين واقعيت روشن مي‏گردد كه سفيران و ديپلمات‏ها در جوامع اسلامي، از آزادي و احترام خاصي برخوردار بوده‏اند. بخصوص در عصر رسالت كه نمونه‏هايي از آن را متذكر شديم. مسلمانان در مراسم استقبال از سفيران ديگر كشورها رفتار ويژه‏اي داشتند. مهمان‏داران (افرادي كه مأمور پذيرايي از آنها مي‏شدند) وظيفه داشتند مصالح اسلامي را رعايت كنند و نيرو و قدرت، شوكت و عظمت، شدت و حميت، تعصب و اتفاق كلمه، وظيفه‏شناسي و علاقه‏مندي مسلمانان را به حفظ نظام مملكت، به سفيران و هيأت همراه نشان دهند.81 اكنون به مزايا و مصونيت‏هاي سفيران از ديدگاه اسلام اشاره مي‏كنيم:

1. مصونيت شخصي: سفيران و هيأت همراه، از مصونيت شخصي كامل برخوردارند و بايد از تعرض و بدرفتاري با آنان اجتناب شود. در تاريخ اسلام مي‏خوانيم حتي در مواردي كه سفير يا فرستاده‏اي خارج از محدوده وظيفه‏شان عمل كرده‏اند، پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله اجازه تعرض به آنان را نداده است. در اين‏باره فرستادگان مسيلمه كذاب، مثال خوبي است. پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در برابر عمل ناشايست آنها فرمود: «لو لا أن الّرسل لاتقتل لضربت اعناقكما»؛82 اگر اين حكم نبود كه سفيران را نمي‏توان كشت، شما را گردن مي‏زدم.

همچنين رفتار محبت‏آميز و توأم با گذشت پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهدر انعقاد صلح حديبيه،83 و نيز استقبال گرم از نمايندگان مسيحيان نجران، شواهد ديگري در اين خصوص مي‏تواند باشد.84

2. آزادي مذهبي: در ديپلماسي اسلام، سفيران براي انجام نيايش و مراسم ديني كاملاً آزادند. پيامبر گرامي صلي‏الله‏عليه‏و‏آله به هيأت نمايندگي مسيحيان نجران اجازه داد كه حتي در مسجدالنبي آيين مذهبي خود را برپا دارند. مورخان انجام نيايش آنان را كه آزادانه صورت پذيرفته است، حادثه‏اي عجيب مي‏دانند.85

نويسنده كتاب سنن موارد متعددي را ذكر مي‏كند؛ از جمله اهالي مكّه پس از جنگ بدر، ابورافع را براي مذاكره و ملاقات با پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهدرباره آزادي اسيران قريش به مدينه فرستاد. نامبرده وقتي به مدينه آمد، اسلام آورد و نمي‏خواست به مكه برگردد. حضرت فرمود: «من نقض تعهد نمي‏كنم و نيز سفيران را توقيف نمي‏كنم. بنابراين برگرد! چنانچه تمايل به بازگشت داشتي، مي‏تواني بعدا به مدينه مراجعت كني.» ابورافع به توصيه آن حضرت عمل كرد.86

3. معافيت از پرداخت عوارض: براساس شواهد تاريخي، اموال سفيران از پرداخت عوارض معاف بوده است؛ البته به شرط عمل متقابل دولت‏هاي متبوع آنان. به نقل يكي از نويسندگان، اگر كشورهاي خارجي فرستادگان مسلمان را از عوارض گمركي و ديگر ماليات‏ها معاف كنند، فرستادگان آن كشور نيز همان امتياز را در سرزمين اسلامي خواهند داشت. در غير اين صورت تصميم با دولت اسلامي است؛ يعني اگر بخواهد، آنان نيز مانند مسافران خارجي، به پرداخت عوارض معمول ملزم خواهند بود.87

اين‏گونه رفتار متقابل، ممكن بود درباره شخص سفير هم اعمال شود؛ مثلاً، رسول خدا صلي‏الله‏عليه‏و‏آله نماينده تام‏الاختيار مكه را تا زمان بازگشت سالم سفير مسلمانان (كه در مكه توقيف شده بود) به حديبيه (اردوگاه پيامبر) در توقيف نگه داشت. ممكن بود فرستادگان در مواردي، بازداشت يا زنداني شوند.88

مسلمانان در اين زمينه با احتياط عمل مي‏كردند. در گذشته و بخصوص در اروپا، جاسوسي نخستين هدف ديپلماسي به شمار مي‏رفته است. از اين‏رو، مسلمانان از سفيران بيمناك بودند و مردم را از معاشرت با آنان منع مي‏كردند تا اخبار به آنان نرسد.89

ابويوسف در زمينه مصونيت سفيران چنين نوشته است:

اگر واليان با فرد بيگانه‏اي ملاقات كنند، او ادعا كند كه فرستاده فلان پادشاه به سوي سلطان عرب است و اين نامه اوست،... كسي حق تعرض به اموال او را ندارد، اموالي را كه به قصد تجارت آورده ماليات دارد والاّ ماليات ندارد... و چنانچه مسلمانان در دريا به كشتي كه از آن مشركان است برخورد كند و اهل كشتي ادعا كنند كه فرستاده فلان حاكم هستند و نامه‏اي در اين خصوص ارائه نمايند، بر والي لازم است كه آنها را به سوي رهبر مسلمانان بفرستد و در صورتي كه دروغ گفته باشند، رهبر درباره آنان تصميم مي‏گيرد.90

نتيجه‏گيري

نتيجه بحث حاضر را چنين مي‏توان فهرست كرد:

1. نهاد حقوقي سفارت و ديپلماسي از آموزه‏هاي ديني است. خداوند سبحان نخستين باب سفارت را گشوده است. پيامبران، سفيران اعزامي پروردگار و كتاب‏هاي آسماني حاوي پيام‏هاي خداوند به سوي همه انسان‏هاست.

2. اسلام، دين جهاني است و هدف آن دعوت همه انسان‏ها به توحيد و يكتاپرستي و تحقق عدالت در گستره جهان مي‏باشد، لازمه انجام اين رسالت جهاني، ايجاد روابط دوستانه و رفتار حكيمانه و داشتن ديپلماسي فعال با ديگر جوامع است.

3. نقش اسلام در حوزه ديپلماسي بسيار برجسته است. پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله به عنوان آخرين سفير الهي در اين زمينه اقدامات ارزنده‏اي انجام داده است. ديپلماسي فعال ايشان از نوادر تاريخ روابط بين‏الملل به شمار مي‏رود. ارسال نامه‏ها و اعزام سفيران به نزد سران كشورهاي ديگر و بخصوص امپراتوري‏هاي بزرگ آن زمان، اعجاب‏برانگيز است. سيره پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در زمينه ديپلماسي، چگونگي فرستادن و پذيرفتن سفيران و رعايت حقوق ديپلماتيك مي‏تواند الهام‏بخش باشد.

4. اصل احترام به سفيران و ديپلمات‏ها و مصونيت آنان در نظام حقوقي اسلام، از اهميت خاصي برخوردار مي‏باشد. تاريخ روابط بين‏الملل به خوبي نشانگر اهتمام مسلمانان به امر سفارت و روابط ديپلماسي است. مسلمانان قرن‏ها زودتر از غربيان به تدوين حقوق ديپلماتيك و رعايت آن اهتمام ورزيده‏اند. قرائن و شواهد تاريخي نشان مي‏دهد كه تأسيس سفارت دائم نيز از ابتكارات مسلمانان است.

البته حقوق ديپلماتيك جديد با قديم از لحاظ كمّي و كيفي تفاوت‏هايي دارد؛ در گذشته، به دليل موقت بودن مأموريت‏هاي ديپلماسي، ناگزير حقوق سفيران نيز محدود بوده است. در دوران معاصر، سفارت حالت دائمي پيدا كرده و سفارتخانه هر كشوري بخشي از سرزمين آن كشور به شمار مي‏رود، هرچند كه تأمين امنيت آن به عهده كشور ميزبان است. اعضاي سفارت‏خانه و هيأت ديپلماتيك نيز متفاوت از گذشته است. در دوران معاصر، كشورها آزادي عمل بيشتري براي سفارت‏خانه‏ها قائلند.

هرچند به تناسب پيچيدگي و گسترش روابط بين‏الملل، حقوق ديپلماتيك نيز تكامل يافته است، اما با توجه به ويژگي جهاني بودن اسلام و نقش ديپلماسي فعال در پيشرفت اهداف والاي اين دين مبين، محدوديتي خاصي نسبت به گسترش روابط ديپلماتيك وجود ندارد.

در مجموع كشورهايي كه بر اساس اصل همزيستي مسالمت‏آميز، اقدام به تأسيس سفارتخانه مي‏كنند، يا به وسيله عضويت در سازمان‏هاي بين‏المللي و يا انعقاد قراردادهاي تجاري، اقتصادي، فرهنگي تعهداتي را نسبت به يكديگر مي‏پذيرند، بايد طبق آنها رفتار نمايند. اين مقتضاي اصل احترام به قراردادها و اصل مقابله به مثل و عرف بين‏المللي است.

پى نوشت ها

1 كارشناس ارشد حقوق بين‏الملل، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى قدس‏سره. تاريخ دريافت: 11/8/87 ـ تاريخ پذيرش: 22/10/87.

2 . Apostle.

3 ـ محمّدجعفر جعفرى لنگرودى، مبسوط در ترمينولوژى حقوق، 1381، ج 3، ص 2047.

4 ـ تكوير: 19 / هود: 77و81 / عنكبوت: 31/ مرسلات:1/ زخرف: 80.

5 ـ بقره: 119 و 151 / نساء: 165 / مائده: 19 / ابراهيم: 4 / انبياء: 107 / احزاب: 45 و 46 / مزمّل: 15و16 / آل‏عمران: 144 / مائده: 67 / انعام: 48.

6 ـ ر.ك. راغب اصفهانى، مفردات الفاظ القرآن الكريم، 1427، ص 352ـ353.

7 Embassage.

8 Ambassador.

9 ـ بهمن آقايى، فرهنگ حقوقى بهمن، 1382، ص 68.

10 ـ راغب اصفهانى، مفردات، ص 412، واژه «سفر».

11 ـ محمّدجعفر جعفرى لنگرودى، مبسوط در ترمينولوژى حقوق، 1367، ص 2173.

12 ـ بهمن آقايى، فرهنگ حقوقى بهمن، ص 308.

13 ـ همان، ص 420.

14 ـ مهدى نوروزى خيابانى، فرهنگ لغات و اصطلاحات سياسى، 1376، ص 80.

15 ـ محمّدجعفر جعفرى لنگرودى، مبسوط در ترمينولوژى حقوق، ج 3، ص 1968.

16 ـ جواد صدر، حقوق ديپلماتيك و كنسولى، 1376، ص 4.

17 Diplomatic relations.

18 ـ بهمن آقايى، فرهنگ حقوقى بهمن، ص 421.

19 ـ على آقابخشى، فرهنگ علوم سياسى، 1366، ص 86.

20 Law of diplomatic.

21 ـ جواد صدر، حقوق ديپلماتيك و كنسولى، ص 4.

22 ـ همان.

23 ـ اساسنامه ديوان بين‏المللى دادگسترى، ماده 38 منابع حقوق بين‏الملل را برمى‏شمارد كه منابع حقوق ديپلماتيك نيز مى‏باشد.

24 ـ كنوانسيون‏هاى نامبرده از اقدامات و مصوبات كميسيون حقوق بين‏الملل مى‏باشد.

25 ـ محمّد ابراهيمى، اسلام و حقوق بين‏الملل عمومى، 1377، ج 2، ص 248.

26 ـ بقره: 194 / نحل: 126/ انفال: 95/ شورى: 40/ مائده: 8و45.

27 ـ مائده:1/ توبه:7/ نحل: 91 / اسراء: 34/ احزاب: 15/ بقره: 177/ رعد:20 / انفال: 72.

28 ـ سيد محمّدحسين طباطبائى، تفسير الميزان، بى‏تا، ج 5، ص 249ـ250.

29 ـ پرويز ذوالعين، حقوق ديپلماتيك، 1384، ص 55.

30 Nation state.

31 ـ پرويز ذوالعين، حقوق ديپلماتيك، ص 73.

32 ـ همان، ص 74ـ78.

33 ـ كميسيون حقوق بين‏الملل بر اساس ماده 13 منشور، به منظور تدوين و توسعه حقوق بين‏الملل در 21 نوامبر 1947 توسط مجمع عمومى سازمان ملل متحد تأسيس گرديد.

34 ـ عباسعلى عميد زنجانى، فقه سياسى: حقوق تعهدات بين‏المللى و ديپلماسى در اسلام، 1379، ص 160ـ161.

35 ـ بقره: 21 و 168 / يونس: 57 / اعراف: 157 / انبياء: 107 / حج: 49 / سبا: 28.

36 ـ نحل: 125.

37 ـ حديد: 25.

38 ـ انبياء: 107.

39 ـ توبه: 128.

40 ـ بقره: 151.

41 ـ بقره: 121.

42 ـ بقره: 213.

43 ـ نساء: 165 / انعام: 48.

44 ـ نساء: 165.

45 ـ عباسعلى عميدزنجانى، فقه سياسى: حقوق تعهدات بين‏الملل و ديپلماسى در اسلام، ص 272.

46 ـ تكوير: 27 / اعراف: 158/ فرقان: 1 / سبأ: 28/ انعام: 19و90.

47 ـ حديد: 25.

48 ـ آل‏عمران: 103.

49 ـ مائده: 2.

50 ـ آل‏عمران: 64 / بقره: 83 / نحل: 125.

51 ـ آل‏عمران: 64.

52 ـ ناصر مكارم شيرازى و ديگران، تفسير نمونه، 1375، ج 2، ص 596ـ602.

53 ـ عباسعلى، عميد زنجانى، فقه سياسى: حقوق تعهدات بين المللى و ديپلماسى در اسلام، ص 317ـ319.

54 ـ محمد حميداللّه، حقوق روابط بين‏الملل در اسلام، 1373، ج 1، ص 263.

55 ـ على احمدى ميانجى، مكاتيب‏الرسول، 1419، جزء اول، ص 5.

56 ـ محمّدبن سعد واقدى، طبقات الكبرى، 1405، ج 1، ص 358.

57 ـ على احمدى ميانجى، مكاتيب الرسول، جزء دوم، ص 315ـ508 / محمّد حميداللّه، مجموعة الوثابق السياسية للعهد النبوى و الخلافة الراشدة، 1407.

58 ـ عبدالحى كتانى، نظام الحكومة النبوية، بى‏تا، ص 308.

59 ـ همان.

60 ـ محمّدبن سعد واقدى، طبقات الكبرى، ج 1، ص 291ـ360.

61 ـ عباسعلى عميد زنجانى، فقه سياسى: حقوق تعهدات بين‏المللى و ديپلماسى در اسلام، ص 332ـ337.

62 ـ على‏بن زيد بيهقى، تاريخ بيهق، 1361، ص 140.

63 ـ همان، ص 141.

64 ـ محمّد حميداللّه، حقوق روابط بين‏الملل در اسلام، ص 268ـ272.

65 ـ گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، 1347، ص 157ـ163.

66 ـ عباسعلى عميدزنجانى، فقه سياسى، 1373، ج 3، ص 153.

67 ـ ابن الفراء، رسل الملوك: سفيران، 1363، ص 143.

68 ـ همان، ص 63.

69 ـ رسول جعفريان، تاريخ تحول دولت و خلافت، 1386، ص 143.

70 ـ على‏اكبر حسينى، تاريخ تحليلى و سياسى اسلام، 1380، ص 441.

71 ـ همان، ص 143ـ147.

72 ـ على مسعودى، التنبيه و الاشراف، 1365، ص 160ـ165.

73 ـ محمّدجعفر جعفرى لنگرودى، ترمينولوژى حقوق، 1367، ص 561.

74 ـ محمّد ابراهيمى، اسلام و حقوق بين‏الملل عمومى، ج 2، ص 234ـ235.

75 ـ ابن فراء، رسل‏الملوك: سفيران، ص 20ـ21، 22، 25 و 29 / مجيد خدورى، صلح و جنگ در قانون اسلام، 1335، ص 360.

76 ـ محمّد ابراهيمى، اسلام و حقوق بين‏الملل عمومى، ص 250.

77 ـ ابن فراء، رسل الملوك: سفيران، ص 178.

78 ـ همان، ص 143 / مجيد خدورى، صلح و جنگ در قانون اسلام، ص 361.

79 ـ ابن فراء، رسل الملوك: سفيران، ص 193ـ212.

80 ـ ر.ك. كنوانسيون وين 18 آوريل 1961، ماده سوم، درباره وظايف مأموران ديپلماتيك.

81 ـ ابن الفراء، رسل الملوك: سفيران، ص 162.

82 ـ همان.

83 ـ محمّدبن هشام، زندگانى حضرت محمّد صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، 1366، ج 2، ص 147ـ150 / عزالدين ابن اثير، الكامل فى التاريخ، 1414، ج 1، ص 584.

84 ـ احمد بلاذرى، فتوح البلدان، 1367، ص 99.

85 ـ محمّد حميداللّه، حقوق روابط بين‏الملل در اسلام، ص 273.

86 ـ همان، ص 274.

87 ـ شمس‏الدين سرخسى، شرح السيرالكبير، بى‏تا، ج 4، ص 67 / ابويوسف يعقوب بن ابراهيم، الخراج، 1352، ص 116.

88 ـ شمس‏الدين سرخسى، شرح السيرالكبير، ص 67.

89 ـ ابن الفراء، رسل الملوك: سفيران، ص 197.

90 ـ ابويوسف، الخراج، ص 188ـ189.

··· منابع

ـ آقابخشى، على، فرهنگ علوم سياسى، تهران، بهرنگ، 1366.

ـ آقايى، بهمن، فرهنگ حقوقى بهمن، تهران، گنج دانش، 1382، چ دوم.

ـ ابراهيمى، محمّد، اسلام و حقوق بين‏الملل عمومى، قم، مهر، 1377، ج 2.

ـ ابن اثير، الكامل فى التاريخ، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1414.

ـ ابن فراء ابوعلى حسن‏بن محمّد، رسل الملوك: سفيران، ترجمه پرويز اتابكى، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامى، 1363.

ـ ابن هشام، زندگانى حضرت محمّد صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، ترجمه هاشم رسولى، تهران، اسلاميه، 1366.

ـ ابويوسف، يعقوب بن ابراهيم، الخراج، قاهره، المطبعه السلفيه، 1352.

ـ احمدى ميانجى، على، مكاتيب الرسول، تهران، دارالحديث الثقافيه، 1419.

ـ اصفهانى، راغب، مفردات الفاظ القرآن‏الكريم، تحقيق صفوان عدنان داودى، قم، طليعه‏النور، 1427، چ دوم.

ـ بلاذرى، احمد، فتوح البلدان، ترجمه محمّد توكل، بى‏جا، نقره، 1367.

ـ بيهقى، على‏بن زيد، تاريخ بيهقى، تصحيح احمد بهمنيار، بى‏جا، فروغى، 1361.

ـ جعفريان، رسول، تاريخ تحول دولت و خلافت، قم، بوستان كتاب، 1386، چ چهارم.

ـ جعفرى لنگرودى، محمّدجعفر، ترمينولوژى حقوق، تهران، گنج دانش، 1367.

ـ ـــــ ، مبسوط در ترمينولوژى حقوق، تهران، گنج دانش، 1381، چ دوم.

ـ حسينى، على‏اكبر، تاريخ تحليلى و سياسى اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1380، چ ششم.

ـ حميداللّه، محمّد، حقوق روابط بين‏الملل در اسلام، ترجمه سيدمصطفى محقق‏داماد، تهران، نشر فرهنگ علوم اسلامى، 1373.

ـ ـــــ ، مجموعه‏الوثابق السياسية للعهد النبوى و الخلافة الراشدة، بى‏جا، دارالنفاس، 1407.

ـ خدورى، مجيد، صلح و جنگ در قانون اسلام، ترجمه غلامرضا سعيدى، بى‏جا، اقبال، 1335.

ـ ذوالعين، پرويز، حقوق ديپلماتيك، تهران، وزارت امور خارجه، 1384، چ دوم.

ـ سرخسى، شمس‏الدين، شرح السيرالكبير، حيدرآباد، دكن، بى‏تا.

ـ صدر، جواد، حقوق ديپلماتيك و كنسولى، تهران، دانشگاه تهران، 1376، چ دوم.

ـ طباطبائى، سيد محمّدحسين، تفسير الميزان، ترجمه سيد محمّدباقر حجتى، بى‏جا، بنياد علمى و فكرى علّامه طباطبائى با همكارى مركز نشر فرهنگى رجا، بى‏تا.

ـ عميدزنجانى، عباسعلى، فقه سياسى، تهران، اميركبير، 1373.

ـ ـــــ ، فقه سياسى: حقوق تعهدات بين‏المللى و ديپلماسى در اسلام، تهران، سمت، 1379.

ـ كتانى، عبدالحى، نظام الحكومة النبوية، بيروت، بى‏نا، بى‏تا.

ـ لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سيد هاشم حسينى، تهران، اسلاميه، 1347.

ـ مسعودى، على، التنبيه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران، علمى فرهنگى، 1365.

ـ مكارم شيرازى، ناصر و ديگران، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1375، چ بيست و هشتم.

ـ نوروزى خيابانى، مهدى، فرهنگ لغات و اصطلاحات سياسى، تهران، نى، 1376، چ پنجم.

ـ واقدى، محمّدبن سعد، طبقات الكبرى، بيروت، داربيروت، 1405.